

تجارب بانوان سرپرست خانوار شاغل در آموزش و پرورش شهرستان نجف آباد از تأمین نیازهای خود بعد از فوت همسر: مطالعه کیفی مبتنی بر پدیدارشناسی

الهه محنتی نجف آبادی^۱، معصومه ولایتی^۲، احمد ربانی^۳

^۱ دانشجوی دکتری مدیریت امور فرهنگی- دبیر آموزش و پرورش و مدرس دانشگاه فرهنگیان

^۲ کارشناس ارشد مدیریت فرهنگی، دبیر آموزش و پرورش

^۳ کارشناس ارشد مدیریت فرهنگی، دبیر آموزش و پرورش

نام نویسنده مسئول:

الهه محنتی نجف آبادی

چکیده

در این پژوهش محققین با هدف شناسایی تجارب زنان سرپرست خانوار شاغل در آموزش و پرورش نجف آباد در تأمین نیازهای خود بعد از فوت همسر، در گفتگو و مصاحبه با تعداد ۱۰ نفر از سرپرست خانوارهایی که همسر خود را در اثر سانحه، بیماری و یا در جنگ از دست داده اند، به توصیف تجارب آنها در تأمین نیازهایشان بر اساس هرم نیازهای مازلو در پنج طبقه نیازهای فیزیولوژیک، نیازهای تعلق، نیازهای امنیت، نیازهای احترام و نیازهای خودشکوفایی پرداخته اند. از تعداد ۲۵۰۰ نفر زنان شاغل در آموزش و پرورش شهرستان نجف آباد تعداد ۱۴۳ نفر از آنها جزء زنان سرپرست خانوار می باشند که از این تعداد ۷۰ نفر را زنان سرپرست خانواری تشکیل می دهد که بیوه هستند. در این تحقیق با روش مطالعه کیفی مبتنی بر پدیدار شناسی و در مصاحبه عمیق با این افراد، ضمن شناسایی تجارب آنها پس از فوت همسر، تجارب آنها در نحوه تأمین نیازهایشان مدون و ثبت گردید. به نظر می رسد این دسته از زنان سرپرست خانوار، هر چند در روابط اجتماعی با دیگران، و در تأمین نیاز به امنیت و احترام تا حدودی با مشکل روبرو هستند اما برای دستیابی به همه نیازها حتی نیازهای خودشکوفایی، مصمم هستند و تلاش می کنند.

واژگان کلیدی: زنان سرپرست خانوار، نیازهای فیزیولوژیک، نیاز تعلق، نیاز امنیت، نیاز احترام، نیاز خودشکوفایی

مقدمه

یک زن که شوهر خود را در سن بیست و پنج سالگی در اثر شهادت از دست داده، فقدان همسر را اینگونه توصیف می کند: «روزهای اول اصلا باور نمی کردم، اما به مرور زمان و با وجود مشکلات ناشی از نبود پدر در خانه، باورمان شد. نبود همسر مساوی بود با سختی ها و مشکلات مشقت بار زندگی، نگاههای ترحم آمیز و گاه شیطنت آمیز اطرافیان و گاه طلب کارانه بعضی ها! بعضی وقتها سختی زندگی به جایی می رسید که آرزوی مرگ کمترین خواسته ام بود..... اما از طرفی دیگر، نبود همسر مساوی بود با تلاش بیشتر. حالا که یکی از زندگی ما رفته بود، باید زندگی را اداره می شد پس باید به جای او هم برای خانواده تلاش می کردم یعنی هم زن بودم و هم مرد یا بهتر بگویم هم پدر و هم مادر.... خلاصه تجربه من از فوت همسر، انتظارات ریز و درشت دیگران و کار بیشتر و تلاش طاقت فرسا و بهتر بگویم فدا شدن بود.....» زنان سرپرست خانوار از جمله گروه های آسیب پذیر جامعه هستند که گاه عواملی چون طلاق، فوت، اعتیاد همسر و رها شدن توسط مردان مهاجر یا بی مبالاتی، موجب آسیب پذیری این طیف وسیع از جامعه می شود. این گروه از زنان که با عنوان زنان سرپرست خانوار یا خود سرپرست در جامعه نامیده می شوند، با مسائل و مشکلات و موانع زیادی در زندگی مواجهند.

بر مبنای تعریف سازمان بهزیستی، زنان سرپرست خانوار زنانی هستند که عهده دار تأمین معاش مادی و معنوی خود و اعضای خانوار می باشند. مطابق تعریف مرکز آمار ایران، زنان سرپرست خانوار به کسانی گفته می شود که بدون حضور منظم و یا حمایت یک مرد بزرگسال سرپرستی خانوار را برعهده می گیرند و مسئولیت اداره اقتصادی خانواده، تصمیم گیری های عمده و حیاتی با آنهاست. [۱] زنان سرپرست خانوار جزو گروهی از زنان اند که مسئولیت زندگی خانوادگی، مسائل و مشکلات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، و فشارهای روانی آن را بر دوش دارند [۲].

قائم مقام سازمان بهزیستی کل کشور در مصاحبه با خبرنگار ایسنا در مرداد ماه ۱۳۹۳ اذعان می کند: تعداد زنان سرپرست خانوار بر اساس سرشماری های سال ۸۵ و ۹۰ از ۹/۵ درصد به ۱۲/۵ درصد افزایش یافته است. از جمعیت دو میلیون و نیم زنان سرپرست خانوار، ۷۱/۴ درصد زن بر اثر فوت همسر، ۱۷/۶ زن بدسرپرست، ۲۰ درصد بر اثر طلاق و پنج درصد به علت ازدواج نکردن، سرپرست خانوار شده اند. همچنین احمدی دستجردی مدیرکل امر بانوان در وزارت آموزش و پرورش تعداد افراد سرپرست خانوار در آموزش و پرورش را در دیماه ۱۳۹۳ در گفتگو با ایسنا، تعداد چهارده هزار نفر در کشور عنوان نمود. کارشناس مسئول امور بانوان آموزش و پرورش شهرستان نجف آباد تعداد زنان سرپرست خانوار در آموزش و پرورش شهرستان نجف آباد را ۱۴۳ نفر عنوان نمود که از این تعداد ۲۳ نفر آنها مطلقه، تعداد ۷۰ نفر آنها بیوه و تعداد ۵۰ نفر، مجرد می باشند.

زنان سرپرست خانوار بیوه در مقابل نیازهای خانواده احساس مسئولیت زیادی می کنند آنها تلاش می کنند تا جایگاه خالی پدر خانواده را نیز بخوبی تکمیل نمایند. همه انسانها در زندگی خود نیازهای متعددی دارند. اما آنچه که مازلو^۱ در تئوری سلسله مراتب نیازهای انسانی مطرح می نماید نیازهای انسان را در پنج گروه طبقه بندی می نماید. او ضمن معرفی نیازهای انسانی، آنها را در یک سلسله مراتب از لحاظ اهمیت قرار می دهد. بدین معنی که بعضی از نیازها باید قبل از نیازهای دیگر ارضا شوند. مازلو این نیازها را در پنج سطح به ترتیب اهمیت قرار می دهد: ۱- نیازهای فیزیولوژیکی^۲ - ۳- نیازهای تعلق^۳ - ۴- نیازهای ایمنی^۴ - ۵- نیازهای احترام^۵ - ۶- نیازهای خودشکوفایی^۶ [۳]. از نظر مازلو این پنج نیاز، اصلی ترین نیازهای زندگی هر انسانی می باشد. زنان سرپرست خانواری که پس از داشتن یک زندگی معمول و آرام در کنار همسر خود، به یکباره در اثر فوت همسر، عهده دار مسئولیت زندگی خود و اعضای خانواده، به تنهایی می گردند، سرپرستی خانوار را به گونه ای متفاوت تجربه خواهند نمود. آنها با از دست دادن همسر، همراه و تکیه گاه زندگی خود، اینک نیازهای انسانی زندگی خود را چگونه تأمین می کنند؟ این پرسش، سؤالی است که محققین از طریق مطالعه میدانی درصدد پاسخگویی به آن می باشد.

انجام پژوهش های میدانی و آگاهی دقیق از کاستی ها، موانع و مشکلات موجود برای این قشر حساس و آسیب پذیر جامعه، می تواند زمینه ها و بسترهای لازمی را برای برنامه ریزان و کارشناسان اجتماعی و فرهنگی جامعه فراهم نماید تا با دید وسیعتر و دقت نظر بیشتری به حل و فصل مسائل مربوط به این موضوع بپردازند.

رویکرد پدیدارشناسی، داده های غنی و بسیار مفیدی در این زمینه در اختیار محقق قرار می دهد. بنابراین هدف این پژوهش بررسی تجارب زنان سرپرست خانواری که همسر خود را از دست داده اند در تأمین نیازهایشان، در قالب روش پدیدارشناسی می باشد.

1- Maslow

2- Needs Hierarchy Theory

3- Physiological Needs

4- Belongingness & Love Needs

5- Safety Needs

6- Esteem Needs

7- Self-Actualization

بررسی ادبیات تحقیق

همه مطالعات انجام گرفته در مورد زنان سرپرست خانوار، به ابعاد و جنبه های متفاوتی از مسائل و مشکلات زنان سرپرست خانوار پرداخته است. دغدغه همه پژوهشگران، تلاش در جهت شناسایی مسائل مربوط به این قشر آسیب پذیر بوده تا بتوانند با ارائه پیشنهادات و راهکارهای خود گامی هر چند کوچک در جهت بهبود وضعیت آنان بردارند. به عنوان مثال، خسروی (۱۳۸۰) در پژوهشی با عنوان بررسی آسیب های روانی-اجتماعی زنان سرپرست خانوار با روشی اسنادی به بررسی مشکلات روانی-اجتماعی این زنان پرداخته است. نتایج این تحقیق نشان می دهد که عمده ترین مشکلات زنان سرپرست خانوار در قالب مشکلات اقتصادی، نداشتن آمادگی برای اداره امور اقتصادی خانوادگی، نگرش های منفی اجتماع به زن سرپرست خانواده، نگرانی برای آینده فرزندان، و تعدد تعارض نقش مطرح می شود. بر اساس این تحقیق زنان سرپرست خانوار در صورتی از حمایت های اجتماعی مناسب برخوردار باشند، شیوه های مقابله مناسب را بیاموزند، و منبع کنترل درونی داشته باشند کم ترین آسیب را متحمل می شوندند. [۴].

همچنین مبارک (۱۳۸۲) به بررسی علل آسیب شناسی اجتماعی خانواده های تک سرپرست در بین خانواده های وزارت جهاد کشاورزی (مطالعه تک موردی خانواده های شاهد، متوفی، و مطلقه) می پردازد. نتایج این تحقیق بیانگر آن است که میزان تحصیلات مادر خانواده با آسیب های اجتماعی فرزندان در ارتباط است. هم چنین، ارتباط مادر با فرزندان، وضعیت اقتصادی خانواده ارتباط با خانواده گسترده تر، وضعیت مسکن، افت تحصیلی، ترک تحصیل فرزندان و غیره با آسیب های اجتماعی در ارتباط اند [۵]. تاتینا بلداجی و همکاران (۱۳۸۹) نیز در تحقیق خود با موضوع کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش بهزیستی کشور و زنان شاغل خدماتی در چهارچوب مطالعه علی-مقایسه ای، به این نتیجه رسیدند که کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار شاغل نسبت به زنان سرپرست تحت پوشش وضعیت بهتری دارد و نمره ابعاد سلامت روانی، جسمانی و اجتماعی در دو گروه زنان سرپرست خانوار شاغل و تحت پوشش اختلاف معناداری را نشان می دهد و در بعد سلامت محیطی اختلاف معناداری مشاهده نشده است [۶]. در ادامه می توان به پژوهش شهریاری و همکاران (۱۳۹۲) اشاره نمود که در تحقیق خود با هدف بررسی نیازهای آموزشی زنان سرپرست خانوار شاغل فرهنگی آموزش و پرورش استان اصفهان از طریق روش توصیفی-پیمایشی به این نتیجه رسیدند که زنان سرپرست خانوار شاغل فرهنگی آموزش و پرورش استان اصفهان در سال ۱۳۹۲ در زمینه مهارت های فرزند پروری، شناخت قوانین و مقررات در خصوص حمایت از زنان سرپرست خانوار، ارتقاء بهداشت روانی خود و اعضای خانواده، مدیریت مالی و مهارت های ارتباطی به آموزش بیش از حد متوسط نیاز دارند [۷].

روش تحقیق

نمونه

نمونه هدفی شامل ۱۰ نفر از همکاران شاغل در آموزش و پرورش تشخیص داده شد که در این تحقیق پدیدارشناسی مشارکت نمودند. تعداد ۲ نفر از مشارکت کنندگان شاغل در اداره آموزش و پرورش، ۵ نفر دبیر و ۳ نفر آموزگار بودند مدرک تحصیلی هر ده نفر لیسانس و میانگین سنی آنها ۴۶ سال می باشد. علت فوت همسر ۶ نفر از شرکت کنندگان بیماری، سه نفر از آنها تصادف و یک نفر از آنها شهادت بوده است.

طرح تحقیق

در پدیدار شناسی، محقق به فراسوی دانش و تجربه گذشته رفته یا آن ها را به حالت تعلیق در می آورد تا پدیده را در سطحی عمیق تر شناسایی کند [۸]. کرسول^۸ در توضیح روش پدیدارشناسی بیان می کند که پدیدارشناسان به توصیف آنچه که کلیه شرکت کنندگان از تجربه یک پدیده به صورت مشترک درک کرده اند، تمرکز می نمایند. هدف اصلی پدیدارشناسی ساده سازی تجربیات شخصی فرد در رابطه با یک پدیده و توصیف جوهره کلی آن است. [۹]. محققان در انجام این تحقیق، با توصیف تجربیات همکاران خود در سرپرستی خانواده هایشان، سعی در شناسایی و طبقه بندی مقوله های مهم و قابل بررسی در زندگی آنها نموده تا شاید توانسته باشند گامی هر چند کوچک، در رفع مسائل و مشکلات مربوط به زندگی آنها برداشته باشند

رویه تحقیق

پس از ارزیابی طرح تحقیق توسط معاونت پژوهش و کارشناس مسئول امور بانوان آموزش و پرورش منطقه و کسب مجوز از ایشان، آمار دقیق زنان سرپرست خانوار در آموزش و پرورش شهرستان دریافت گردید. از تعداد ۷۰ نفر زنان سرپرست خانواری که به علت فوت همسر

سرپرستی خانواده را برعهده داشتند تعداد ۱۰ نفر برای مشارکت در تحقیق فراخوانده شدند. مصاحبه ها در زمانی بالغ بر دو ماه در فاصله زمانی اردیبهشت و خرداد ماه سال ۱۳۹۴ از طریق حضور در محل کار همکاران انجام گردید ضمن ضبط صدای مصاحبه شونده، اطلاعات توسط پژوهشگر دقیقاً ثبت می گردید. هر مصاحبه بین ۲۰ تا ۴۰ دقیقه طول می کشید و تا زمانی که همه مضمون ها پدیدار شوند ادامه می یافت. پس از درجریان گذاشتن افراد مورد نظر و کسب رضایت آنها، از ایشان خواسته شد به صورت شفاهی به این سؤالات پاسخ دهند؟ تجربه شما از فوت همسرتان چه بود؟ شما در مدت فقدان همسرتان چه چیزهایی را تجربه کرده اید؟ چگونه با مشکلات دست و پنجه نرم می کنید؟ رفتارها و روابط اجتماعی شما چه تفاوتی با قبل از فوت همسرتان دارد؟ نیازهای اقتصادی و فیزیولوژیک زندگی خود را چگونه برطرف می کنید؟ نیازهای امنیت، نظم و آزادی خود و فرزندانان را چگونه تامین می کنید؟ نیازهای تعلق، عشق و دوستی خود را چگونه تامین می کنید؟ نیاز به احترام برای شما و فرزندانان چگونه تامین شده است؟ نیاز به خودشکوفایی را چگونه برطرف می کنید؟

تحلیل داده ها

روش پدیدارشناسی کولاییزی (۱۹۷۸) در تحلیل رونوشت های افراد مصاحبه شده به کار گرفته شد. در این روش، به منظور رسیدن به احساس کلی موجود در آن ها همه مصاحبه های مکتوب شده چندین بار مرور گردید و عبارات و اظهارات معنی دار عنوان شده تدوین گردید. پس از آن همه اظهارات و عبارات معنی دار نزدیک به هم در مقوله های بزرگتری دسته بندی گردید [۱۰]. در تحقیق حاضر، دقت روش شناختی به واسطه کاربرد صحت، اعتباربخشی و پایایی تضمین شد (میدوس و مورس، ۲۰۰۱). صحت، مرحله نهایی در دسترسی به پایایی پروژه تحقیقی است [۱۱]. معیار مذکور از طریق بررسی ادبیات موضوع، پیروی از روش پدیدارشناختی، در یک طبقه جای دادن تجربیات گذشته، یادداشت برداری در حین پژوهش، استفاده از نمونه کافی، شناسایی موردهای منفی و انجام مصاحبه تا حد اشباع داده ها تحقق یافت [۱۲]. اعتباربخشی، در درون ارزیابی پروژه، به واسطه متدهای چندگانه گردآوری داده ها (مشاهده، مصاحبه و ترسیم تصویرها)، تحلیل داده ها و کدگذاری به وسیله پژوهشگران دیگر صاحب تجربه، بازبینی با مشارکت مصاحبه شوندهگان و منابع اطلاعاتی اصلی و بررسی رویه ها تضمین شد. پایایی نیز هدف نهایی تحقیق بوده و مبتنی بر قابلیت اطمینان و بررسی های خارجی است. دقت بالینی نیز از طریق همدلی و ارزیابی موقعیت سازش به دست آمد [۱۳].

یافته ها

پس از بررسی دقیق مصاحبه ها، اظهارات معنی دار از بطن صحبت های سرپرستان خانوار بیرون کشیده شده و مطابق با جدول شماره ۱ بصورت مفاهیم مدون کدگذاری گردید. جدول شماره ۱، اظهارات معنی دار مفاهیم مدون را نشان می دهد.

جدول شماره ۱: ساخت مفاهیم مدون از اظهارات معنی دار

مفاهیم مدون	اظهارات معنی دار
شناخت خدا	در تحمل مشکلات خدا را واقعا شناختم
شناخت اطرافیان	اقوام و خانواده خود را در سختی ها بهتر شناختم
کسب اعتماد به نفس	اعتماد به نفس بالایی پیدا کردم و روی پای خود ایستادم
خود اتکایی	زیر بار زور و تهدید بعضی از اقوام نرفتم و مستقل شدم
امید به خدا	فهمیدم اگر خداوند نعمتی از انسان می گیرد نعمتهای دیگری به او می دهد
تحمل سختی های فراوان	من در اوج نیاز به همسرم او را از دست دادم. تازه مرخصی زایمانم تمام شده بود، مستأجر بودیم و دور از خانواده ام بودم
احساس تنهایی	در این دنیا تنها خودم قرار دارم و هیچ کس با من و مشکلات من کاری ندارد
تحمل سختی ها	من تا مدتها نمی توانستم فوت همسرم را باور کنم مدتها بیمار بودم تا اینکه خدا کمکم کرد و توانستم این مصیبت را تحمل کنم
امیدواری	احساس ناامیدی کردن درد بزرگتر از مصیبت است
حساسیت بیشتر در روابط اجتماعی	بعد از فوت همسرم بعضی از رفتارها و عقاید من فرق کرد مثلاً دبگر با همه کس معاشرت نمی کردم و همواره با بچه هایم بودم.

<p>تحت آزمایش الهی</p> <p>یادآوری خاطرات</p> <p>تحمل رفتار ناعادلانه اطرافیان</p> <p>وظایف دوبرابر و مسئولیت سنگین تر</p> <p>احساس تنهایی</p> <p>موفق، مستقل، خوداتکا</p> <p>بزرگ اندیش</p> <p>بی تفاوتی جامعه</p> <p>امیدواری</p> <p>جبران فقدان پدر برای فرزندانم</p> <p>سنگینی مسئولیت</p> <p>شناخت خود و تواناییهایم و افزایش اعتماد به نفس</p> <p>بی تفاوتی نسبت به رفتارهای نادرست دیگران</p> <p>خود اتکائی</p> <p>حل مشکلات به تنهایی</p> <p>طرد شدن و تهدید و تحقیر شدن از طرف خانواده همسر</p> <p>سازگاری با مشکلات</p> <p>زندگی را با دیگران مقایسه نمی کنم</p> <p>کسب تجربه از همکاران مثل خودم</p> <p>تلاش در کسب شغل بعد از فوت همسر-تلاش برای کسب درآمد</p> <p>کمبود عاطفه فقدان همسر حل شدنی نیست</p> <p>توکل به خدا</p> <p>به دوش کشیدن مشکلات بدون توجه و حمایت هیچ سازمانی</p> <p>سازگاری با شرایط</p> <p>تلاش برای کسب درآمد و شغل</p>	<p>من فکر می کنم فوت همسرم آزمایش خدا برای من بوده است و مهم این است که نباید نا امید شوم و راضی به رضای خدا باشم.</p> <p>هنوز هم بعد از مدت پنج سال نتوانسته ام مرگ همسرم را فراموش کنم نگاههای ترحم آمیز و گاه شیطنت آمیز و گاه طلب کارانه ی اطرافیان زندگی را برایم سخت کرده بود</p> <p>من باید زندگی را اداره می کردم من باید به جای همسرم هم برای خانواده ام تلاش کنم.</p> <p>بزرگترین تجربه من بعد از فوت همسرم تنهایی است</p> <p>من بعد از فوت همسرم با توکل به خدا و اعتماد به نفس مشکلات را پشت سر گذاشتم و موفقیت استقلال و متکی بودن به خود را تجربه کردم</p> <p>بعد از فوت همسرم بزرگ فکر کردم فراتر از زنان دیگر چون من هم زن، هم مادر و هم پدر بودم</p> <p>من تجربه و احساس فوق العاده سختی دارم از اینکه هیچ کس در جامعه ما حامی ما نیست حرفها عکس العمل ها و کارهای اطرافیان باعث آزار و اذیت روحی و جسمی ما می شود</p> <p>من همیشه از خدا و حضرت علی(ع) کمک گرفتم و با امید به خدا بچه هایم را به خوبی و بزرگ تربیت نمودم</p> <p>من با کمبود مهر و محبت پدر سازگاری کردم تا فرزندانم بی پدری را احساس نکنند</p> <p>فقدان همسر مسئولیت مرا در تربیت فرزندانم سنگین تر نمود</p> <p>سختی فقدان همسرم باعث شد تا به تواناییهای خود بیشتر پی ببرم و اعتماد به نفس بالاتری پیدا کنم</p> <p>من یاد گرفتم نسبت به رفتارهای نادرست دیگران بی تفاوت باشم</p> <p>من سعی کردم هر کاری را با توان خودم انجام دهم و اعتماد به نفس خود را تقویت کردم</p> <p>من سعی می کنم مشکلاتم را خودم حل کنم چون هیچ کس را ندارم و هیچ کس کوچکترین قدمی برای من بر نمی دارد</p> <p>خانواده همسر من به مشکلات من بیشتر دامن می زنند آنها یک روز درصد جدایی فرزندانم از من هستند و یک روز در صدد تصاحب اموال شوهرم و..... مشکلات و شرایط را پذیرفته ام</p> <p>زندگی خودم را با زندگی دیگران مقایسه نمی کنم</p> <p>سعی می کنم از تجربیات سایر زنان سرپرست خانوار استفاده کنم.</p> <p>بعد از فوت همسرم با تلاش در جستجوی کار و گرفتن کلاسهای نهضت سوادآموزی و کار شبانه روزی سعی کردم چیزی برای فرزندانم کم نگذارم</p> <p>فقدان شوهر من از لحاظ عاطفی مرا رنج می دهد و گرنه از عهده سایر مسائل زندگی بر می آیم</p> <p>همه مشکلات من با توکل بر خدا حل می شود</p> <p>زنان بیوه مشکلات بسیاری دارند که دولت هیچ توجهی به آن ندارد</p> <p>من فقدان شوهرم را به عنوان یک مشکل حل نشدنی پذیرفتم</p> <p>من در فقدان همسرم فهمیدم که باید درس بخوانم و شغل مناسبی پیدا کنم. من با داشتن ۳ فرزند کوچک شروع به درس خواندن کردم</p>
---	---

<p>روابط اجتماعی عادی</p> <p>طرد شدن از اجتماع با تهمت و افترا و بهانه جویی</p> <p>کاهش روابط اجتماعی با خانواده همسر</p> <p>تلاش در حفظ روابط اجتماعی با دیگران</p> <p>کاهش روابط با خانواده همسر</p> <p>بهبود روابط اجتماعی با دیگران سالها بعد از فوت همسر</p> <p>روابط اندک با خانواده همسر</p> <p>روابط محدود با جنس مخالف</p> <p>روابط خوب با دوستان و همکاران</p> <p>روابط عالی با خانواده خودم</p> <p>قطع روابط با خانواده همسر</p> <p>روابط سنگین با جنس مخالف</p> <p>روابط با اطرافیان فقط در زمانی که به کارشان آیم</p> <p>روابط اجتماعی محدود به علت ترس از دخالت</p> <p>سعی در تامین نیازهای ضروری</p> <p>عدم داشتن مشکلات مالی</p> <p>مشکل مالی و اقتصادی ندارم</p> <p>عدم داشتن مشکل مالی</p> <p>با قرض و وام تامین می شود</p> <p>من در نقش پدر تامین کننده امنیت فرزندانم هستم</p> <p>احساس امنیت در کنار پسر</p> <p>احساس امنیت در کنار پدر و مادرم</p> <p>احساس امنیت به خاطر اعتماد به نفس</p> <p>احساس امنیت به خاطر توکل به خدا</p>	<p>از لحاظ روابط اجتماعی و برخورد های عاطفی با اطرافیانم هیچ تفاوتی با قبل از فوت شوهرم وجود ندارد</p> <p>در ایران خدا نکند کسی بی شوهر شود و گرنه همه می شوند آقا بالاسرو اگر با نامحرمی حرف بزنی هزار و یک حدیث دارد اگر لباس شیک و نویی بپوشی حرف و حدیث زیاد دارد و.....</p> <p>روابط من با اطرافیانم تغییر چندانی نکرد تنها روابطم با خانواده همسر کمتر شد.</p> <p>هر چند در برخی موارد در روابط اجتماعی خود با دیگران باید احتیاط می کردم اما سعی کردم با اعتماد به خود و نادیده گرفتن دیگران خللی به روابط اجتماعی خود وارد نکنم.</p> <p>در روابط اجتماعی خود با دیگران کمی منزوی تر شده ام بخصوص با خانواده شوهرم رفت و آمد چندانی ندارم</p> <p>اوایل که شوهرم فوت کرده بود چون کم سن و سال بودم کمتر با دوستان و آشنایان رفت و آمد می کردم اما بعدها بهتر شدم.</p> <p>با خانواده خودم روابط بیشتری دارم با خانواده همسرم روابط کمتری دارم با همکارانم روابط خوبی دارم اما با جنس مخالف روابط محدود و با ضابطه ای دارم.</p> <p>روابطم با خانواده پدرم فوق العاده خوب است آنها همواره تکیه گاه من بوده اند برایم خانه فراهم کردند فرزندانم را پرستاری کردند وقتی سر کار بودم از آنها نگهداری کردند اما در عوض خانواده همسرم همگی مرا طرد کردند، فرزندانم را تحویل نگرفتند و هر روز تهمت و افترا به من می زدند روابطم با جنس مخالف سنگین و با وقار است</p> <p>روابط اجتماعی من با دیگران برای رفع نیازهای دیگران است همه اطرافیان من در برقراری رابطه با من یا رفع نیازهایشان را انتظار دارند و یا مرا غریبه ای حساب می کنند که نباید با آنها در ارتباط باشم</p> <p>قبل از فوت شوهرم روابط اجتماعی خوب و قوی داشتم اما بعد از فوت ایشان روابطم با اطرافیانم محدود شد چون نمی خواستم کسی در زندگیم دخالت کند. هر چند سخت ولی همواره سعی کردم خودم نیازهای اقتصادی و ضروری خانواده را بر طرف نمایم .</p> <p>چون خودم درآمد دارم و از همسر هم حقوق دریافت می کنم مشکلات خاصی در زمینه تامین نیازهای اولیه ندارم.</p> <p>به علت شاغل بودنم تا کنون در این زمینه مشکلی نداشته ام</p> <p>همسرم بسیار آینده نگر و مقید بود ایشان از نظر اقتصادی تا آخر عمر ما را تأمین کرده است</p> <p>حقوق ماهیانه ام و وامهایی که می گیرم مشکلاتم را در زمینه نیازهای اقتصادی تأمین می کند</p> <p>از آنجا که مجبور بوده ام در نقش مرد هم ظاهر شوم همواره سعی کرده ام تأمین کننده امنیت و آرامش فرزندانم باشم</p> <p>در کنار پسر بزرگم م من و خواهرش احساس امنیت می کنیم</p> <p>در کنار پدر و مادرم احساس امنیت می کنم</p> <p>احساس امنیت می کنم چون به خودم مطمئن هستم</p> <p>احساس امنیت می کنم چون به خدا توکل کرده ام</p>
--	---

<p>تلاش برای احساس امنیت</p> <p>تامین نیاز به عشق با خاطرات همسر</p> <p>به نیاز به عشق با سرگرم شدنم فکر نمی کنم</p> <p>تامین نیازه عشق با فرزندان</p> <p>تامین نیاز عشق با فرزندان و پدر و مادر</p> <p>تامین نیاز عشق با راز و نیاز با خدا</p> <p>تامین نیاز به عشق در رابطه با دوستان</p> <p>احترام دارم به خاطر اعتماد به نفسم</p> <p>احترام دارم چون موفقم</p> <p>بی احترامی زیادی دیده ام</p> <p>همسرم تامین کننده احترامم بود الان احترام ندارم</p> <p>احترام بیشتر در حیات همسر</p> <p>تامین نیاز به احترام توسط فرزندانم</p> <p>احساس احترام به خاطر موفقیت</p> <p>احترام را با رفتارم کسب نموده ام</p> <p>احترام داری اگر هیچ وقت قصد ازدواج مجدد نکنی</p> <p>برای خودشکوفایی تلاش می کنم</p> <p>برای شکوفایی فرزندانم تلاش می کنم</p> <p>شکوفاتر شدم به خاطر رویارویی با مشکلات</p> <p>به جهت تحمل سختی ها شکوفا شده ام</p> <p>بر عکس انتظارات اطرافیان برای شکوفایی تلاش می کنم</p> <p>در تعامل با دوستانم شکوفا می شوم.</p>	<p>همواره تلاش می کنم زندگی ایمنی داشته باشم در غلبه بر ترس خیلی تلاش می کنم.</p> <p>بعد از فوت همسر با خاطرات گذشته ام نیازهای عشقم را برطرف می کنم برای این نیاز جایگزینی نیافته ام</p> <p>با کارکردن سر خود را گرم می کنم تا به این موضوع هیچگاه فکر نکنم تمام تعلق و عشقم را به فرزندانم نثار می کنم</p> <p>همه نیازهای تعلق و عشق من فرزندان و پدر و مادرم هستند</p> <p>نیازهای عشق و تعلقم را در راز و نیاز با خدا تأمین می کنم</p> <p>نیازهای عشق و تعلقم را در ارتباط با دوستانم جستجو می کنم</p> <p>چون اعتماد به نفس بالایی دارم خودم برای خودم احترام زیادی قائل هستم</p> <p>چون توانسته ام موفق باشم همه خانواده و دوستانم برایم ارزش و احترام قائلند</p> <p>از دیگران بی احترامی زیادی دیده ام</p> <p>زمانی که شوهرم زنده بود خیلی قدر دان زحماتم بود ولی الان احساس می کنم پشت و پناهی ندارم</p> <p>تا وقتی شوهرم زنده بود احترام بیشتری داشتم</p> <p>من احترام را فقط از فرزندانم انتظار دارم</p> <p>من موفق بوده ام هیچ احساس کمبودی ندارم</p> <p>کسب احترام متناسب با رفتار هر شخصی است من با رفتارم توانسته ام فرد محترمی باشم</p> <p>تا ازدواج مجدد نکرده ای باز هم احترام داری اما اگر خواستی ازدواج کنی تحقیر می شوی و بی احترامی ها شروع می شود</p> <p>برای دستیابی به خودشکوفایی خیلی تلاش می کنم اما اگر همسرم کنارم بود بیشتر موفق می شدم</p> <p>من برای موفقیت و شکوفایی فرزندانم هر کاری می کنم</p> <p>بعد از فوت همسرم به جهت مواجهه با مشکلات فکر می کنم توانمند تر و شکوفاتر شدم</p> <p>من فکر می کنم من و فرزندانم به جهت تحمل سختی های فراوان افراد موفق و شکوفایی هستیم</p> <p>با اینکه جامعه و اطرافیانمان نمی توانند موفقیت و شکوفایی یک زن تنها را بپذیرند اما من همواره در جهت توانمند تر شدن و شکوفاتر شدن خود و فرزندانم تلاش می کنم</p> <p>زنان بیوه در کنار یکدیگر و در جمع دوستان و نشست ها ، اردوها و.. می توانند استعدادها و توانمندی های خود را شکوفا کنند.</p>
---	--

پس از استخراج مفاهیم مدون، همه آنها مطابق با مضامین اصلی یعنی پرسش های تحقیق، طبقه بندی گردید. جدول شماره ۲ مضامین خوشه بندی شده در درون مفاهیم مدون را نشان می دهد.

جدول شماره ۲: مضمون های خوشه بندی شده در درون مفاهیم مرتبط

مضمین اصلی	مضمین فرعی
مضمون ۱: تجربه فوت همسر	شناخت و ارتباط بیشتر با خدا شناخت اطرافیان کسب اعتماد به نفس کسب خود اتکایی امید به خدا تحمل سختی های فراوان احساس تنهایی مسئولیت بیشتر حساسیت بیشتر در روابط اجتماعی تحمل رفتار ناعادلانه اطرافیان
مضمون ۲: راههای دست و پنجه نرم کردن با مشکلات	شناخت خود و توانمندی ها و افزایش اعتماد به نفس بی تفاوتی نسبت به رفتارهای نادرست دیگران خود اتکائی حل مشکلات به تنهایی عدم مقایسه زندگی خود با دیگران کسب تجربه از سایر همکاران سرپرست خانوار توکل به خدا به دوش کشیدن مشکلات بدون توجه و حمایت هیچ سازمانی سازگاری با شرایط تلاش برای کسب درآمد و شغل
مضمون ۳: روابط اجتماعی با دیگران	روابط اجتماعی عادی طرد شدن از اجتماع با تهمت و افترا و بهانه جویی کاهش روابط اجتماعی با خانواده همسر تلاش در حفظ روابط اجتماعی با دیگران بهبود روابط اجتماعی با دیگران سالها بعد از فوت همسر روابط محدود با جنس مخالف روابط عالی با خانواده خودم قطع روابط با خانواده همسر حساسیت بیشتر در روابط با دیگران روابط با اطرافیان فقط در زمانی که به کارشان آمیم روابط اجتماعی محدود به علت ترس از دخالت ارتباط خوب با دوستان
مضمون ۴: تامین نیازهای فیزیولوژیک	تلاش در تامین نیازهای ضروری خانواده مشکلی در تامین نیازهای ضروری نیست حل مشکلات اقتصادی با دریافت وام

<p>زن سرپرست خانوار در نقش مرد، تامین کننده امنیت خانواده است احساس امنیت در کنار پسر احساس امنیت در کنار پدر و مادرم احساس امنیت به خاطر اعتماد به نفس احساس امنیت به خاطر توکل به خدا تلاش برای احساس امنیت</p>	<p>مضمون ۵: تامین نیاز به امنیت</p>
<p>تامین نیاز به عشق با خاطرات همسر فکر نکردن به نیاز به عشق با سرگرم شدن به کارهای دیگر تامین نیازه عشق با فرزندان تامین نیاز عشق با فرزندان و پدر و مادر تامین نیاز عشق با راز و نیاز با خدا عدم جبران کمبود عاطفه همسر</p>	<p>مضمون ۶: تامین نیاز به تعلق</p>
<p>داشتن احترام به خاطر اعتماد به نفس داشتن احترام به خاطر موفقیت مورد بی احترامی واقع شدن داشتن احترام در زمان حیات همسر تامین نیاز به احترام توسط فرزندان کسب احترام با رفتارهای مناسب خود داشتن احترام اگر قصد ازدواج مجدد در کار نباشد</p>	<p>مضمون ۷: تامین نیاز به احترام</p>
<p>تلاش برای شکوفایی خود تلاش برای شکوفایی فرزندان شکوفایی به جهت تحمل سختی ها و رویارویی با مشکلات شکوفایی در تعامل با دوستان</p>	<p>مضمون ۸: تامین نیاز به خودشکوفایی</p>

بحث و نتیجه گیری

در این پژوهش زنان سرپرست خانوار در مورد تجربه از دست دادن همسر خود عنوان نمودند که پس از فوت همسرشان، اعتماد به نفس بیشتری پیدا کردند، ارتباط بیشتر و نزدیکی با خدا برقرار نمودند، اطرافیان را بهتر شناختند، سختی های فراوانی تحمل نمودند، مسئولیت بیشتری بر عهده دارند، احساس تنهایی می کنند، به خوداتکایی دست یافتند، در روابط با دیگران حساستر شدند و تحمل و شکیبایی بیشتری در برابر رفتارهای ناعادلانه اطرافیان نشان می دهند. به نظر می رسد زنان سرپرست خانوار شاغلی که همسر خود را از دست داده اند، به جهت حفظ موقعیت اجتماعی خود و با تحمل رنج و مشقتهای فراوان، سعی در بالا کشیدن گلیم خود از آب داشته اند و توانسته اند ویژگی های روحی روانی و معنوی خود را ارتقاء دهند. آنها با تکیه بر تنها پناهگاه خود یعنی خداوند به مقابله با سختی ها و مشکلات پرداخته و اینک به نظر می رسد از عملکرد چند ساله خود در سرپرستی خانواده رضایت داشته باشند.

آنها راههای دست و پنجه نرم کردن با مشکلات را شناخت توانمندی های خود، بی تفاوتی نسبت به رفتارهای دیگران، خوداتکایی، عدم مقایسه زندگی خود با دیگران، کسب تجربه در معاشرت با همکاران سرپرست خانوار مثل خود، توکل بر خدا، سازگار شدن با شرایط و تلاش برای کسب شغل و درآمد دانسته اند. به نظر می رسد آنچه که در تحلیل این مقوله می توان عنوان نمود، پذیرش شرایط و قبول مسئولیت و تلاش جهت سازگاری با موقعیت زنان سرپرست خانوار می باشد. تعهد به زندگی و وفاداری به خانواده در بین زنان ایرانی آنها را موظف به کنترل و اداره زندگی به نحو شایسته حتی پس از فوت همسر، می نماید. نتایج این تحقیق با تحقیق شادی طلب و گرائی نژاد (۱۳۸۳) همسو می باشد. داده های کیفی در تحقیق آنها نشان می دهد زنان سرپرست خانوارهای فقیر و متوسط هیچ یک قربانیان منفعلی نیستند. آن ها می توانند با تلاش های شخصی و کمک های خانوادگی و نه فقط از طریق کمک های دولتی بر مشکلات خود فایز آیند [۱۴].

زنان سرپرست خانوار شاغل در آموزش و پرورش نجف آباد در مورد روابط اجتماعی خود با دیگران عنوان نمودند که برخی از آنها به نحو ناشایستی از اجتماع طرد و رانده شده اند، برخی در روابط اجتماعی با خانواده همسر خود به شدت مشکل دارند عده ای اذعان داشتند روابط آنها با جنس مخالف خود به شدت سخت و محدود است، عده ای داشتن روابط با دیگران را مسأله ساز می دانستند و اکثرا از ارتباط با دوستان خود و خانواده پدری خود خشنود بودند. در بحث روابط اجتماعی، محمدی (۱۳۸۵) در مقاله خود با عنوان زنان سرپرست خانوار می نویسد: زنان سرپرست خانوار به علی، از جمله نگرش منفی جامعه به آنان، و البته با توجه به نقش های چندگانه و مسئولیتهای بسیارشان، اغلب برای برقراری روابط اجتماعی وقت اضافی ندارند و این امر، به مرور باعث طرد او از جامعه می شود، مشکلات عدیده ای برایشان به همراه می آورد. [۱۵].

در بحث تأمین نیازهای فیزیولوژیک، اکثر قریب به اتفاق آنان اذعان داشتند به سبب اشتغال خود هر چند با درآمد کم، اما توانسته اند تأمین نیازهای فیزیولوژیک خانواده را مدیریت نمایند. بحث اشتغال زنان سرپرست خانوار مهمترین دغدغه مسئولین جامعه ما می تواند باشد. آنچنان که گفته شد نیازهای فیزیولوژیک مهمترین و اولین مرتبه نیازهای انسانی است که تأمین این سطح از نیازهای افراد، شرایط تأمین سایر نیازها را هموارتر می نماید. اشتغال زنان سرپرست خانوار و کسب درآمد ایشان عامل مهم تأمین نیازهای انسانی اعضای یک خانواده می باشد. با تأمین نیازهای فیزیولوژیک، در تأمین نیازهای ایمنی، تعلق، احترام و خودشکوفایی با مسائل و مشکلات کمتری روبرو خواهند بود. نتایج این تحقیق با یافته های تحقیق تاتینا بلداجی و همکاران (۱۳۸۹) همراستایی دارد. آنها در تحقیق خود اذعان می نمایند که زنان سرپرست خانوار شاغل، از کیفیت زندگی و ابعاد سلامت جسمانی روانی و ارتباط اجتماعی و وضعیت بهتری نسبت به سایر زنان سرپرست خانوار برخوردارند.

در تأمین نیاز به امنیت با مفهوم دوری از بی نظمی و نا امنی در جامعه و عدم احساس ترس، اکثر آنها در جستجوی پناهگاهی، توانسته اند شرایط ایمنی را برای خود تصور کنند عده ای در کنار پدر و مادر، عده ای با توکل بر خدا، عده ای با اعتماد به نفس و عده ای در کنار فرزندان اذعان می کنند که زندگی ایمنی دارند. به نظر می رسد این گروه از زنان سرپرست خانوار به جهت توانایی آنها در تأمین نیازهای فیزیولوژیک، نیاز به امنیت آنها با سهولت بیشتری تأمین می گردد.

در بحث تأمین نیاز به تعلق، زنان سرپرست خانواری که همسر خود را از دست داده اند نیاز به تعلق خود را در فرزندان و پدر و مادر خود جستجو می کنند، عده ای در راز و نیاز با خدا نیاز به عشق را تأمین می نمایند و عده ای هم در تکرار خاطرات همسر خود احساس تعلق می کنند. احساس دوست داشتن و احساس دوست داشته شدن دو نیاز تعلق است که در زنان به علت گرایش عاطفی بسیار، قوی تر می باشد. این نیاز در پیوند زناشویی و در به دنیا آوردن فرزندان به اوج تقلای خود می رسد. به یقین از دست دادن همسر، دردناک ترین نقطه گسستگی احساس تعلق به نزدیکترین شخص زندگی فرد است. برای زنان سرپرست خانواری که همسر خود را از دست داده اند از آن به بعد محل تأمین نیاز تعلق می تواند در ازدواج مجدد باشد. که به نظر می رسد در جمع مشارکت کنندگان در این تحقیق هیچ کدام با ازدواج مجدد نیاز به عشق خود را جبران نکرده اند و همواره سعی نموده اند تا از طرق دیگری مثل عشق به فرزندان و پدر و مادر خود به این نیاز دست یابند. شاید بتوان قویترین عامل عدم ازدواج در این دسته از زنان را علاوه بر تمکن مالی، دل بستگی و عشق به زندگی و فرزندان و

خانواده خود دانست. نتایج این پژوهش با یافته‌های زاهد و خیری (۱۳۹۰) در تحقیق خود با موضوع نگرش زنان سرپرست خانوار نسبت به ازدواج موقت همپوشانی کامل دارد. آنها عنوان می‌نمایند که زنان سرپرست خانواری که همسرشان فوت شده به علت حس عشق به گذشته و همسر خود، دید منفی نسبت به ازدواج موقت دارند همچنین از طرفی زنانی که فرزندان بیشتری دارند نیازهای عاطفی خود را در کنار فرزندان خود ارضا می‌نمایند و تمایلی به ازدواج ندارند.

نیاز به احترام چهارمین سطح از نیازهای مازلو است که در برخی از زنان سرپرست خانوار تأمین گردیده و در برخی از آنها به سختی تأمین می‌شود. عده‌ای از این زنان بیان نمودند که به جهت اعتماد به نفس، رفتارهای مناسب و کسب موفقیت توانسته‌اند همچنان فرد محترمی باشند اما عده‌ای اذعان نمودند که در زمان حیات همسر خود احترام بیشتری داشته‌اند و اینک بی‌احترامی‌های زیادی را از اطرافیان مشاهده می‌نمایند.

در بحث تأمین نیاز به خودشکوفایی عده‌ای از این گروه از زنان به جهت مقابله با مشکلات زندگی خود را افرادی توانمند و شکوفا عنوان می‌نمایند و عده‌ای هم معتقدند در تعامل با دوستان خود به شکوفایی دست می‌یابند. اغلب قریب به اتفاق این زنان خود را افرادی توانمند و شکوفا معرفی می‌نمایند.

آنچه که در این تحقیق به وضوح نمایان بود، کنار آمدن این گروه از زنان سرپرست خانوار با مسائل و مشکلات پیش‌رویشان بود. آنها در صحبت‌هایشان بیان داشتند که از راه‌های متفاوتی توانسته‌اند مشکلات خود را حل نمایند و یا نهایتاً با آن سازگار شوند. با اطمینان می‌توان ادعا نمود که اشتغال به کار این دسته از زنان سرپرست خانوار، تحصیلات بالا و ارزشها و باورهای دینی آنها توانسته است کلیدهای موفقیت آنها، در تأمین نیازها و رفع مشکلاتشان باشد. ارزشهای فرهنگی ایرانیان بویژه در فرهنگهای بومی و اصیل، همچون وفاداری زنان به خانواده و تعهد و احساس مسئولیت در قبال فرزندان، مانع از بی‌قیدی و بی‌تفاوتی زنان سرپرست خانوار در تلاش برای دستیابی به نیازهای خود و فرزندان‌شان می‌گردد. بنابراین به همه مسئولین و کارشناسان اجتماعی جامعه توصیه می‌گردد با ارج نهادن به باورها و اعتقادات زنان سرپرست خانوار در وفاداری و احساس مسئولیت در سرپرستی و اداره زندگیشان، با فراهم نمودن اسباب و امکانات به کارگیری این گروه از زنان در شغل‌های مناسب و فراهم نمودن زمینه‌های ارتقاء تحصیلات ایشان و تقویت باورهای دینی آنان، از وقوع آسیب‌های اجتماعی ناشی از عدم تأمین نیازهای این قشر از جامعه جلوگیری نمایند. در جامعه ما همواره هزینه‌های درمان و حل مشکلات اجتماعی بسیار بیشتر از هزینه‌های پیشگیری بوده است.

منابع و مراجع

- [۱] مؤمنی زاده، ندا (۱۳۹۳). تحلیل مقایسه ای در خصوص زنان سرپرست خانوار. مجله اقتصادی: شماره ۳ و ۴، صص ۱۲۰-۹۵
- [۲] زاهد سید سعید، خیری خامنه بهناز (۱۳۹۰) بررسی نگرش زنان سرپرست خانوار تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی شهر شیراز به ازدواج موقت. پژوهش نامه زنان، سال دوم شماره دوم، صص ۶۶-۴۳
- [۳] فرهنگی علی اکبر، شاهمیرزایی وحید، حسین زاده علی (۱۳۸۴). نظریه پردازان و مشاهیر مدیریت، تهران: فراندیش
- [۴] خسروی زهره (۱۳۸۰). بررسی آسیب های روانی-اجتماعی زنان سرپرست خانوار، فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهرا (س). شماره ۳۹.
- [۵] مبارک سهیلا (۱۳۸۲). بررسی علل آسیب شناسی اجتماعی خانواده های تک سرپرست در بین خانواده های وزارت جهاد کشاورزی، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، دانشکده روان شناسی و علوم اجتماعی.
- [۶] تاتینا بلداجی ام لیل، فروزان آمنه، رفیعی حسن (۱۳۸۹). کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان بهزیستی کشور و زنان شاغل خدماتی. فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، سال یازدهم شماره ۴۰.
- [۷] شهریار عزت، سعادت مند زهره، فاتحی زاده مریم السادات، محققیان شهناز (۱۳۹۲). بررسی نیازهای آموزشی زنان سرپرست خانوار شاغل فرهنگی آموزش و پرورش. فصلنامه علمی پژوهشی زن و جامعه، سال چهارم، شماره سه
- [8] Merleau-Ponty, M. (1956). What is Phenomenology? *Cross Currents*, 6, 59-70
- [9] Creswell, J. W. (2007). *Qualitative inquiry and research design: Choosing among five approaches*. Thousand Oaks, CA: Sage.
- [10] Colaizzi, P. F. (1978). Psychological research as the phenomenologist views it. In R. Valle & M. King (Eds.), *Existential. Phenomenological alternatives in Psychology* (pp. 47-71). New York: Oxford University Press.
- [11] Meadows, L. M. & Morse, J. M. (2001). Constructing evidence within the qualitative project. In J. M. Morse, J. M. Swansen, & A. Kuzel (Eds.), *Nature of qualitative evidence* (pp. 187-200). Thousand Oaks, CA: Sage.
- [12] Frankel, R. M. (1999). Standards of qualitative research. In B. F. Crabtree & W. L. Miller (Eds.), *Doing qualitative research* (2nd ed., pp. 333-346). Thousand Oaks, CA: Sage.
- [13] Kearney, M. H. (2001). Focus on research methods: Levels and applications of qualitative research evidence. *Research in Nursing & Health*, 24, 145-153
- [۱۴] شادی طلب ژاله، گرابی نژاد علیرضا (۱۳۸۳). فقر زنان سرپرست خانوار، فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۲، شماره ۱، صص ۷۰-۴۹.
- [۱۵] محمدی زهرا (۱۳۸۵). زنان سرپرست خانوار، تهران: روابط عمومی شورای فرهنگی و اجتماعی زنان.